



# کوردستان

بهمن ۱۳۹۲ ... شماره ۲۴

در این شماره ..

\* اوضاع سیاسی - اجتماعی میهن در سالروز سیاهگل و قیام توده ای بهمن ماه ... صفحه ۲

\* اطلاعیه پایانی کنگره ششم سازمان اتحادفدائیان کمونیست... صفحه ۳

\* اطلاعیه کمیته کردستان در حمایت از خلق کرد در سوریه ... صفحه ۳

\* گزارشی از وضعیت کردها در سوریه ... صفحه ۴

\* افزایش اعدامها و گسترش فضای رعب و وحشت ... صفحه ۶

\* رشد دیکتاتوری و تبلیغ مسلمانانه

\* درس آموزی از تجارب تاریخی ۱

به مناسبت ۲ ی ربه ندان ... صفحه ۹

\* انتقاد و انتقاد از خود به شیوه

کمونیستی ... صفحه ۱۱

## کرامی بادچهل و سومین سالروز

## رستاخیز سیا، مگل، زادروز، جنبش نوین

## کمونیستی ایران و تاسیس سازمان

## حریک های فدایی خلق ایران



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی .

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

## اوضاع سیاسی . اجتماعی میهن در سالروز سیاهکل و قیام توده ای بهمین ماه!

نوزدهم بهمن ماه سالروز رستاخیز سیاهکل ، روز بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و 22 بهمن ماه سالروز قیام عظیم و شکوهمند بهمن 57 ، روزی که توده های مردم با قیام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را در ایران به گور سپردند ، بعنوان دو روز بزرگ و فراموش نشدنی در تاریخچه مبارزاتی توده های زحمتکش مردم ایران فرا رسیده است . امسال در شرایطی که استقبال این دو روز بزرگ تاریخی می شتابیم که جامعه یکبار دیگر با سرعت بسوی یک رشته تحولات عظیم سیاسی و دگرگونیهای بنیان کن انقلابی به پیش میتازد . مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار رژیم جمهوری اسلامی بلاوقته رشد و گسترش می یابد . جنبش توده ای پیوسته در حال رشد و اعتلاست . برعمق و ژرفای بحران اقتصادی و سیاسی افزوده می شود و رژیم جمهوری اسلامی پس از 35 سال ستمگری اقتصادی و سیاسی بر توده ها در بحرانهای لاینحل دست و پا می زند و بسوی اضمحلال و فروپاشی قطعی پیش میرود . تمامی شواهد اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی موجود ، چشم انداز این تحولات سیاسی را آشکار میسازند . تشدید بحران اقتصادی بر کلیه عرصه های صنعتی ، مالی و بازرگانی و کشاورزی به وضوح دیده می شود در بخش صنایع رکود مزمن همچنان پا بر جاست و بنا به دلایل مالی ، تکنیکی و سیاسی ، هیچ چشم انداز رو به بهبودی بر این حیطة فعالیت اقتصادی دیده نمی شود . وضعیت مالی رژیم بشدت روبه وخامت است . خزانه دولت تهی گردیده و تحت تاثیر سیاست ماجراجویانه رژیم و تحریمهای دول غربی درآمدهای نفتی کاهش چشمگیری یافته است . بی ثباتی سیاسی - اقتصادی ابعاد وسیعی بخود گرفته و تمرکز سرمایه در دست عده ای از سردمداران رژیم موجب کسب سودهای نجومی حاصل از استثمار کارگران و زحمتکشان ایران برای ایشان گردیده است . تسلط روز افزون بورژوازی بوروکرات بر ارکان اقتصادی و حاکمیت بی رقیب سپاه پاسداران زندگی توده های مردم را به ورطه نابودی کشانده و منافع اقتصادی و اجتماعی آنان را در معرض حراج و تاراج قرار داده است .

کشاورزی نیز به تبعیت از بحران صنعتی و مالی و سیاستهای ارتجاعی حاکمیت ، عدم تامین مایحتاج مالی و فنی دهقانان و فشارهای متعددی که از سوی دولت نسبت به دهقانان اعمال می شود ، اوضاع پیوسته وخیم تر شده است . تمامی بار این بحران

همه جانبه اقتصادی و فشارهای ناشی از آن بردوش کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است . علاوه بر اینکه غارت و چپاول سرمایه های ملی و دزدیهای میلیارد دلاری سردمداران رژیم و دلالان آن عمق فاجعه را دو چندان آشکار میسازد . استثمار کارگران به نحو کم سابقه ای تشدید شده است . دستمزدها همچنان ناچیز است و حتی کفاف تامین حداقل معیشت کارگران را نمی دهد . شرایط زندگی طبقه کارگر ایران به سطح بسیار نازلی تنزل نموده است . بخش عظیمی از کارگران بیکار در فقر و مسکنت هولناکی بسر میبرند . کمبود مایحتاج عمومی ، تورم افسار گسیخته و افزایش پی در پی قیمت کالاها انواع و اقسام تحمیلات و افزایش مالیاتها و باج گیریهای متعدد دولتی چنان وضعیتی را پدید آورده است که عموم توده های مردم در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی و مادی قرار گرفته اند . رژیم جمهوری اسلامی که اساسا پاسدار منافع سرمایه داران است جز تشدید وخامت اوضاع اقتصادی و انتقال هر چه بیشتر بار بحران بردوش زحمتکشان و وابستگی روز افزون اقتصادی به امپریالیسم طی این 35 سال کار دیگری نکرده است . انعقاد قراردادهای پی در پی با دول امپریالیستی و انحصارات بین المللی برای صدور سرمایه به ایران و تسهیلات و امکاناتی که در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی قرار گرفته است . خود گویاترین دلیل این وابستگی روز افزون اقتصادی به امپریالیسم و غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان میهنمان توسط سرمایه داران ایرانی و بین المللی است . حراج ثروت و سامان ملی توسط بورژوازی بوروکرات و در راس آن سپاه پاسداران در خارج از کشور از طریق دلالانی نظیر زنجانی و ضراب در زمان تحریمهای دول غربی علیه ایران و کسب سودهای میلیارد دلاری از جانب سرمایه داران خارجی و داخلی گواه این امر است که سرمایه داران داخلی و شرکای بین المللی آنها در رهگذر کسب سود هر چه بیشتر و دزدیهای میلیارد دلاری هیچ حد و مرزی از شیادی و دورغ و فریبکاری نمی شناسند . سخنان آخوند روحانی در داووس و فراخوان و دعوت به سرمایه گذاری در ایران و تاکید بر اینکه ایران و حاکمیت آن بهترین حافظ منافع آنان در ایران و منطقه بوده و هست همگی گواه این حقیقت است که رابطه سرمایه در سطح جهانی همچنان رابطه ای بر پایه استیلا و وابستگی میباشد و امپریالیسم و انحصارات بین المللی برای تامین منافع اقتصادی

خویش حاکمیتهای ارتجاعی و وابسته را نظیر جمهوری اسلامی مورد حمایت خویش قرار میدهند . والا ساختار سیاسی جمهوری اسلامی همان ساختار سه دهه پیش از این است و با سرکار آمدن روحانی چیزی تغییر نیافته تا امپریالیسم جهانی در سیاستهای خویش نسبت به این سیستم تجدید نظر نماید . رژیم بمنظور انتقال بار بحران بردوش توده ها و جبران افلاس و ورشکستگی خویش هزینه های خدمات درمانی و بهداشتی و آموزشی و بطور کلی خدمات عمومی را بردوش توده ها قرارداده است و در نهایت با حذف سوبسیدها عمق سیاست ضد مردمی خویش را به نمایش گذاشت و ثابت نمود که برای حفظ منافع کلان سرمایه داران داخلی و خارجی حتی حاضر است که نان خشک را نیز از سفره کارگران و زحمتکشان دریغ نماید .

مکمل این سیاست اقتصادی ، توسل رژیم به دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته ، سرکوب و اختناق و سلب ابتدایی ترین حقوق توده های مردم بوده است . رژیم برای مقابله با رشد فزاینده مبارزه کارگران و زحمتکشان ، هرگونه آزادی سیاسی را نفی نموده ، بساط دار و اعدام را براه انداخته و جنایتکاران کهریزک را ترفیع درجه و ارتقا مقام میدهد . ادامه این سیاست داخلی در عرصه سیاست خارجی به شکل ماجراجوییهای نظامی و بحران آفرینی و شاخ و شانه کشیدنهای بی محتوا تبلور می یابد که بار مصیبتهای آن تنها بردوش کارگران و زحمتکشان میهنمان سنگینی کرده و خواهد کرد . تمامی این سیاستهای ادامه در صفحه ۸

**وظیفه کمونیستها تنها فورموله کردن تئوری انقلاب ایران نیست . بلکه تئوریزه کردن ساختمان آن حزب انقلابی است که وظیفه دارد پیوند تئوری و پراتیک را عملی و رهبری این انقلاب را عهده دار گردد . بنابراین اهمیت این تئوری در آن خواهد بود که نقطه آغازش بر جمع بندی انتقادی پراتیک گذشته بمنظور فانق آمدن بر موانع راه آینده این پیروزی استوار باشد .**

**ما کمونیستهای فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن . همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می توان ساختمان حزب . برنامه . اساسنامه . سبک کار . استراتژی و .... را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی . از بحرانها و از شکستها و پیروزیهای جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نوسازی کنیم . بنابراین بازنگری به گذشته را بمنابیه چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می شماریم .**

## حمایت از اعلام خود مدیریتی کردها در سوریه وظیفه مبرم نیروهای انقلابی و افکار مترقی در سراسر جهان است!

در حالی که آتش جنگ ارتجاعی مابین دولت ارتجاعی سوریه و نیروهای مخالف رژیم سوریه زندگی میلیونها نفر از توده های مردم سوریه را به تباهی کشانده و امپریالیسم جهانی و حکومتهای مرتجع منطقه نیز آتش این جنگ ضد مردمی و ارتجاعی را بر افروخته تر میسازند ، در کردستان غربی ( کردستان سوریه ) حرکتی متفاوت تکوین یافت و خلق ستمدیده و محروم کرد در رویارویی محکم و جانانه خویش با حاکمیت ارتجاعی و دستجات مافوق ارتجاعی درصدد اعمال اراده خویش گردیدند و با شکست توطئه های پی در پی متجاوزین طرح اداره امور و سرنوشت خویش را به مرحله اجرا در آوردند .

سیستم اداره شورایی مناطق سه گانه خودگردان یا کانتونها بخوبی آشکار میسازد که در چنین مدلی اقشار خلق امور سیاسی - اجتماعی خویش را اداره کرده و اراده جمعی حاکم است . در مدلی که خلق عرب و دیگر خلقهای که در مناطق خودگردان اسکان دارد نیز از حقوق مساوی با خلق کرد و دیگر اقشار اجتماعی برخوردار بوده و در اداره امور مشارکتی برابر دارند .

مدل ارائه شده خود مدیریتی شورایی در کردستان سوریه مدلی متمایز از دیگر مدل‌های تاکتونی ایجاد شده در منطقه است که بنا به ویژگیهای دمکراتیک خویش با مخالفت دولتهای امپریالیستی و در صدر آنها امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه و احزاب متحد و همپیمان با امپریالیسم و ارتجاع مواجه گردیده است . ساختار دمکراتیک تشکیلات سیاسی حاکم در کردستان سوریه به همان اندازه که ضدیت و دشمنی امپریالیسم و ارتجاع منطقه را موجب گردیده به همان اندازه وظیفه و رسالت جریانات چپ و کمونیست سراسر جهان و بخصوص ایران را در حمایت از چنین مدل دمکراتیکی را صد چندان میسازد . حمایت و تقویت حاکمیت دمکراتیک در کردستان سوریه ضامن پیشبرد و ارتقا مبارزات و مطالبات دمکراتیک کردها در دیگر بخشهای کردستان در مقطع کنونی در مقابله با امپریالیسم و ارتجاع میباشد . طرد و نادیده گرفتن حمایت از چنین مدل دمکراتیکی از جانب جریاناتی که خود را چپ و کمونیست مینامند به معنای انفعال و بی موضعی در برابر حرکات دمکراتیک ضد امپریالیستی در منطقه است . در گیر شدن در چنین تجربه ای میتواند جنبشهای ملی را سمت و سوی ضد امپریالیستی داده و از آنها بسود تقویت مبارزه طبقاتی توده های تحت ستم و رادیکالیزه کردن جنبشهای منطقه ای استفاده نماید .

کمینه کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ضمن تیریک به خلق کرد و دیگر خلقهای ساکن در کانتونها تمامی نیروهای انقلابی و افکار مترقی را برای حمایت از دستاوردهای خلق کرد در سوریه فرا می خواند .

پرتوان و مستحکم باد اتحاد خلقهای تحت ستم !

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا !

زنده باد سوسیالیسم

کمینه کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

2014/1/29

## اطلاعیه پایانی کنگره ششم سازمان اتحادفدائیان کمونیست

کنگره ششم سازمان اتحادفدائیان کمونیست با شرکت نمایندگان از تشکیلات های داخل ، کردستان و خارج کشور در چند نوبت برگزار گردید.

گزارش سیاسی شورای مرکزی و قطعنامه های پیشنهادی قبلاً در اختیار تشکیلات قرار گرفته و در نشریه کار آنلاین منتشر شده بودند.

کنگره طبق دستور جلسه زیر اجلاس خود را با یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز کرد

- 1- قرآنت گزارش سیاسی
  - 2- بحث حول گزارش سیاسی شامل اوضاع جهان، منطقه، ایران، وضعیت جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی
  - 3- گزارش از بخش های مختلف تشکیلات
  - 4- ارزیابی از فعالیت های بین دوکنگره
  - 5- انتقادات و برشماری نکات قوت و ضعف
  - 6- ارائه پیشنهادات و راه حل ها
  - 7- بحث پیرامون قطعنامه ها و اصلاح و تصویب آنها
  - 8- قرارهائی در رابطه با فعالیت داخل کشور
  - 9- قرارهائی در رابطه با فعالیت کمیته کردستان و خارج کشور
  - 10- پیرامون تعیین تکلیف کاندیدها و نحوه عضو گیری
  - 11- پیرامون مسائل آموزشی و امنیتی
  - 12- درباره اتحاد ها و مسائل و مشکلات مربوط به موانع تلاش مجموعه سازمانها ی شرکت کننده در نشست کلن و ..
  - 13- تعیین نمایندگان شورای مرکزی و بازرسی
  - 14- سرود انترناسیونال و پایان نشست
  - 15- برگزاری پلنوم و تقسیم کار
- کنگره ششم سازمان طی اجلاس خود دستور جلسه فوق الذکر را به ترتیب الویت مورد بحث و بررسی قرارداد و پس از اتخاذ تصمیمات لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.
- ”گزارشات و قطعنامه های کنگره ششم در نشریه کار کمونیستی و سایت کار آنلاین در دسترس فعالین جنبش و علاقمندان می باشد”

در کشور ما بدلیل استبداد و سرکوب مداوم چپ ، سطح پایین آگاهی طبقاتی ، ناموزونی رشد اقتصادی در مناطق مختلف ، چند پارچگی ملی و مذهبی و تفاوت های دیگر ، وضعیتی را بوجود آورده است که در فقدان یک جریان چپ گارگری و کمونیستی قوی ، قدرت های حاکمه ، افراد و احزاب فرصت طلب و نماینده طبقات دارا و اقشار متوسط جامعه ، از آن بسود منافع اقتصادی و سیاسی خود سود برده اند . مثلاً آنهایی که خواهان جدائی دین از دولت هستند و یا جوانانی که خواستار آزادی پوشش و استفاده از امکانات مختص بخود هستند . ممکن است در رابطه با حق تعیین سرنوشت و یا حتی تامین حقوق فرهنگی خلقها از مواضع ارتجاعی برخوردار شوند و بقدری به ناسیونالیسم افراطی و شونیسم عظمت طلب ایرانی آغشته باشند که قبل از اینکه قادر باشند خواست های خود را در یک مبارزه مشترک سراسری به حاکمان تحمیل کنند ، در دنبال روی از احزاب بورژوائی و عوامفریبی های قدرت حاکم ، خیلی زود متحدین خود را از دست میدهند و در رکاب ارتجاع بر علیه بخش دیگر مردم وارد عمل شوند .

بگذار آنها دیوار بسازند آنچه که آنها مرز می نامند دیگر واقعا وجود ندارد".

**شهر به شهر**

کردهای شمال شرقی سوریه مدتهای مدیدی یکی از فقیرترین و سرکوب شده ترین اقلیت های سوریه بوده اند، با حقوق اندک و محدود برای کشاورزی روی زمینی که بر آن زندگی می کنند و با وجود ذخایر نفتی که در این مناطق وجود دارد. زبان آنها از سوی اعراب و حزب ناسیونالیست عربی اسد بعنوان تهدید در نظر گرفته می شد و ممنوع بود. هزاران کرد هرگز مدارک رسمی هویت دریافت نکردند. بسیاری از کلبه های روستایی در اینجا چیزی جز توده ای گل نیستند.

حدود این سه سال شورش و جنگ داخلی، که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر کشته و ۶ میلیون آواره شده اند. در این مدت محرومیت جسمی بیش از پیش بر کردها اعمال شده است اما از لحاظ روانی آنها را آزاد گذاشته اند.

در حالیکه نیروهای اسد بیشتر روی جنگ علیه شورشیان در غرب سوریه متمرکز شدند رهبران کرد بتدریج مناطق خود را کنترل کردند. "آلدار خلیل" یکی از اعضای برجسته حزب اتحاد دموکراتیک که قدرتمندترین نیروی کردی در سوریه است می گوید "ما از نزدیکی مرز عراق درست از یک پست بازرسی کوچک آغاز کردیم و از این پاسگاه به آن پاسگاه ما کل منطقه را کنترل کردیم. اکنون دو شهر باقی مانده است که کارمان به پایان برسد قامیشلو و حسکه".

اکنون کسی که بخواهد منطقه را ببیند تنها با یک برگه اجازه نامه PYD می تواند از مناطق مرزی سرسبز با عراق تا دشت های قهوه ای رنگ خارج از "راس العین" به طول ۲۰۰ کیلومتر جایی که انتهای مناطق کردی است سفر کند. چنین آزادی حرکتی در بقیه سوریه غیرممکن است، جایی که حکومت و یا گروههای شورش شهرهای مختلف را کنترل می کنند در بعضی مناطق استفاده از جاده غیرممکن است.

در مراسم تشییع جنازه ای احیا حس هویت کردی مشهود بود، زمانیکه شرکت کننده گان حتی بعنوان سوگواری شروع به خواندن سرودی درباره "گردستان" و "آزادی" کردند کاری که پیش از قیام علیه اسد غیرقابل تصور بود. اطراف گورستان ردیف های زمین قهوه ای آماده کاشت بود. در شهر "عامودا" مردی سیبیلو، لاغر و قد بلند مشغول ایفای نقشش برای رسیدن به خودمختاری بود. "بشیر سلیمان" با تلاش فراوان ژنراتوری را برای تأمین برق بازار فراهم کرده بود که صدای



رهبران میدانی اصرار دارند که هیچ برنامه ای برای جدایی ندارند اما می گویند که در حال آماده سازی یک قانون اساسی محلی هستند و هدفشان برگزاری انتخابات در اوایل سال جاری است. آنها می گویند که این اعلام استقلال نیست بلکه یک "حکومت دموکراتیک محلی" است.

به هر نامی که نامیده شود این یک فاکتور دیگر برای پیچیدگی در جنگی است که تهدید شکل گیری مجدد نقشه خاورمیانه را مطرح می کند. سوریه در جنگی درگیر شده که هیچ احتمال روشنی از پیروزی یک طرف در آن وجود ندارد. هردوی دمشق و ترکیه از این هراس دارند که خودمختاری در حال رشد کردها، راه آنها را برای جدایی هموار می کند. ترکیه در تلاشی برای مهار این حرکت مرزهایش با سوریه را بسته است. آنکارا که چند دهه است با شورشیان کرد می جنگد در حال تقویت حصارها و سیم های خاردار است که در طول مرز با مناطق کردی در سوریه ساخته است. طرح برای ایجاد یک دیوار حائل تظاهرات کردها در دو طرف مرز را برانگیخت.

آنکارا، تهران، بغداد و دمشق همه سابقه سرکوب تلاش کردها را دارند که اغلب بیرحمانه بوده است. هر دو سوریه و عراق درگیر جنگ داخلی هستند و ترکیه در تلاش است با کردها صلح کند کردها در سوریه این شانس را دارند که خواسته شان را در قلمروی که مدعی آن هستند به اثبات برسانند.

مردم محلی دیگر این منطقه را شمال سوریه نمی گویند بلکه آنرا "روژئاوا" که به معنی غرب کردستان است می نامند. در قامیشلو، یک شهر سوریه نزدیک مرز با ترکیه، "محمد شرو" روزنامه نگار از حسی در حال ظهور در میان جامعه کردی می گوید که مایل به نادیده گرفتن مرزهای رسمی است. "کردها در ترکیه بر علیه دیواری که قرار بود بر سر مرز ایجاد شود تظاهرات کردند و ما نیز در این سوی مرز تظاهرات می کردیم"، او ادامه می دهد "آنچه که من اکنون احساس می کنم اینست که

**گزارشی از وضعیت کردها در سوریه  
انتشار این گزارش در نشریه به معنی رد و یا  
تایید آن نیست صرفا جهت مطالعه  
است. ریگای گه ل**

**در میان خشونت ها در سوریه. کردها اعلام  
اتونومی کردند**

**نویسنده: اریکا سولومون**

**برگردان: امید حسینی**

منبع: NNSROJ

در گوشه شمال شرقی سوریه در میان جنگ داخلی، منطقه ای باثبات در حال ظهور است که در آن بحث بمبگذاری نیست بلکه چگونه ساختن مورد بحث است.

رهبران محلی پروژه را برای احیای زندگی عادی و تشویق مردم به ماندن آغاز کرده اند که شامل ایجاد حکومتی منطقه ای، تولید سوخت ارزان و اختصاص یارانه بذر برای کشت غلات و تلاش برای تأمین برق ۲۴ ساعته است. آنها در حال مبارزه با نیروهای بشار اسد و شورشیانی هستند که می خواهند او را سرنگون کنند.

مردمی که در حال حاضر اینجا را کنترل می کنند کرد هستند؛ یک گروه اتنیکی که اکثریت بخش شمالی سوریه، شرق ترکیه، شمال عراق و غرب ایران را تشکیل می دهند.

"ما به انرژی و آب دسترسی نداریم کمبود مواد غذایی وجود دارد" این را هردین یک معلم ۳۰ ساله در تشییع جنازه یک مبارز کرد گفت "در گذشته ذهن و روحیه مان سرکوب شده بود اما اکنون رویاهایمان در حال تبدیل شدن به واقعیت است. این زمان کردهاست. برگشتن به عقب یک گزینه نیست بلکه خیانت به کسانی است که جان خود را فدا کرده اند" سالیان متمادی بیش از ۳۰ میلیون کرد در سراسر این مناطق بزرگترین گروه اتنیکی جهان هستند که کشوری مستقل از آن خود ندارند. تنها کردها در عراق در ابتدای دهه نود که به وسیله نیروهای صدام حسین آواره شده بودند با به وجود آمدن منطقه پرواز ممنوع به کمک آمریکا و بریتانیا توانستند منطقه ای خودمختار واقعی را به وجود بیاورند.

اکنون بیش از ۲،۲ میلیون کرد در سوریه این فرصت را یافته اند که گام دیگری به سوی رویای دراز مدت ایجاد دولت مستقل کردستان بردارند.

روز سه شنبه، در آستانه مذاکرات صلح در سوئیس، کردها در سوریه حکومت منطقه ای را اعلام کردند. این کار بعد از آن بود که قدرت های بین المللی خواسته آنها را برای فرستادن یک هیئت جدا به مذاکرات صلح نادیده گرفتند.

بلندش با صدای اتومبیل ها و سروصدای مردم اطراف رقابت می کرد که در میدان مرکزی گل آلود در صافی درحال رقابت برای بدست آوردن سبزیجات و نان بودند.

اگرچه نیروهای کرد اکثر حملات به شمال شرقی را خنثی کرده اند اما تامین منابع اقتصادی از جمله الکتریسیته با کمبود مواجه است. سلیمان رییس شرکت جدید برق روناک - گروهی که با استفاده از اتصال منابع برق و سیم کشی یک سیستم تامین برق ایجاد کرده است.

مقداری کابل از قاچاقچیان گرفتیم و چند ژنراتور بزرگ را از کارخانه های اینجا که بدلیل جنگ نمی توانند کار کنند خریدیم. من حتی هیئتی از مردان را به شهر تحت کنترل شورشیان دیرالزور فرستادم و تعدادی ژنراتور را از غارتگران که شرکتها را غارت کرده بودند خریدیم.

مناطق اصلی عامودا حدود ۱۰ ساعت برق در روز دارند که میان صبح و عصر تقسیم می شود.

#### مساله نفت

نفت می تواند به تحقق رویای کردها کمک کند، اما تولید نفت بعد از اینکه گروههای مسلح شروع به سرقت نفت خام از لوله هایی که آن را به پالایشگاههای حکومتی در مناطق مرکزی و ساحلی سوریه کرده اند متوقف شده است. برای جبران، PYD شروع به کنترل ذخایر بزرگ نفت خام و تصفیه آن کرده است تا گازوییل مورد نیاز برای استفاده تراکتور کشاورزان و بخاری های گرمایشی را فراهم کند. حزب یک لیتر را به ۳۰ لیتر (۱۰ سنت) می فروشد که ارزانتر از قیمت حکومت اسد است.

علاوه بر نهادهای نظامی و سیاسی، PYD شرکت نفتی با عنوان "SADCO" و هیاتی با عنوان "شورای اقتصاد و توسعه" تاسیس کرده است. این دو نهاد به گزارشگران اجازه ورود به میدان نفتی رمیلان را نمی دهند، اما بجای آن مصاحبه با "عبدالرحمان حمو" رییس شورای اقتصادی را پیشنهاد می کنند.

در حالیکه لباسی ورزشی سیاه و سفید پوشیده بود و داخل اتومبیل بی ام و سیاه خود نشسته و روی صندلی چرمی آن کلاشینکف را در کنار خود داشت با کسانی که برای دیدن او آمده بودند گفتگو می کرد در روبرو تعدادی از کانتینرها که با حصارهای زنجیر شده بود که آنجا مانند مرکزی شده بود که تلاش می شد تا پروژه های مختلف توسعه را برای تولید کود و سوخت اجرایی شوند.

مقامات PYD می گویند که میدان نفتی تا زمان رسیدن به یک توافق سیاسی در مورد سرنوشت سوریه دست نخورده باقی خواهد

ماند. مساله برای کردها اینست آنها چکاری خواهند کرد در صورتی که درگیری ها از ذخیره نفت خام آنها طولانیتر شود. اگر کردها شروع به استفاده از میدان نفتی "رمیلان" کنند آنها باید نفت را به پالایشگاههای اسد بفرستند یا به وسیله پروژه ای پرهزینه و با تغییر مسیر آن را به کردستان عراق بفرستند. که نیازمند معامله ای سیاسی با نیروهایی است که اکنون با برخوردشان دوستان نیست. با وجود این حمو مطمئن است منافع اقتصادی، اختلافات سیاسی را مغلوب خواهد نمود و حتی برای سرمایه گذاری خارجی خوشبین بوده و

دریافت می کنند، تلفن ها هنوز کار می کنند و سیستم سلامتی هنوز پابرجاست" این را محمد اسماعیل از اعضای حزب دموکرات کردستان، حزب رقیب گفت" این اتونومی که آنها در مورد آن حرف می زنند کجاست؟"

پروژه های اجتماعی بلند پروازانه ای که PYD به اجرا در می آورد از سوی مخالفانش با تردید نگریسته می شود، چه کسی می گوید این تحویل قدرت به آنها از سوی اسد تلاشی نیست برای تضعیف مخالفانش. آنها می گویند آن گامهایی که به سوی اتونومی برداشته می شوند برای

### حمایت و تقویت حاکمیت دموکراتیک در کردستان سوریه ضامن پیشبرد و ارتقا مبارزات و مطالبات دموکراتیک کردها در دیگر بخشهای کردستان در مقطع کنونی در مقابله با امپریالیسم و ارتجاع میباشد. ریگای گه ل

تضعیف قیام سوریه در واقع یک نمایش است که اگر اسد دشمنانش را شکست دهد دستاوردهای کردها نابود خواهد شد.

آلدار خلیل در حالیکه شانه هایش را بالا انداخته با ناراحتی در مورد اتهام معامله پنهانی آنها با حکومت می گوید "بگذار رژیم در اینجا و آنجا یک پایگاه داشته باشد، بگذار دفاتر اداریش را داشته باشد اینها تنها در اسم وجود دارند. حداقل اینها حقوق کارمندان دولت را پرداخت می کنند و مردم می توانند با آن زندگیشان را ادامه دهند. بله درست است، ما در حال بازی سیاسی هستیم."

اخلاقات دیگری نیز وجود دارد میان کردهای سوریه و کردهای طرف دیگر مرز در عراق. این دو به دو لهجه جدا حرف می زنند. حدود ۲۵۰۰۰۰ کرد از سوریه در کردستان عراق زندگی می کنند، رقابت روشنی میان PYD و مسعود بارزانی رهبر کردها در عراق وجود دارد. نیروی مسلط مناطق کردی سوریه نیرویی موسوم به واحدهای مدافع خلق ( YPG که شاخه نظامی PYD است. هر دو ایدئولوژی حزب کارگران کردستان در ترکیه را دارند. پوسترهای عبدالله اوچالان رهبر پ ک ک در شمال سوریه رایج است. YPG ورود گروههای رقیب به قلمرو کردستان سوریه را متوقف کرده است. کردهای سوریه به بارزانی رهبر کردها در عراق مشکوک هستند و تصور می کنند او می خواهد کنترلش را به خاک آنها گسترش دهد. بارزانی مدعیست تنها می خواهد اتحاد کردها را حفظ کند.

کردها در سوریه نگران دخالت ترکیه نیز هستند که از ایجاد رابطه میان کردها در ترکیه با منطقه خودمختار در سوریه واهمه دارد. هر دوی PYD و PKK ترکیه را متهم به فرستادن اسلام گرایان افراطی به

ابراز امیدواری می کند.

"ما برای هر شرکتی با هر ملیتی برای سرمایه گذاری آسانکاری خواهیم کرد. اگر دستاوردهای اقتصادی آنها به نفع سوریهای اینجا باشد، از طریق صدور مجوز برای آنها در اسرع وقت و تامین امنیت و جای کار برای آنها." حمو گفت شرکتهای خارجی حتی به مدت یک تا دو سال معاف از مالیات خواهند بود.

#### موانع بسیار

با وجود این خوش بینی، موانع بسیاری برای منطقه شمال شرقی باقی خواهد ماند. هم درون سوریه و هم در رابطه با کشورهای همسایه ترکیه و عراق.

در شهرهای اصلی قامیشلو و حسکه، تعادل قوا در حالتی ناپایدار است. ارتش اسد و شبه نظامیان متحد او بخشهایی از شهر قامیشلو در اطراف یک پایگاه نظامی و فرودگاه را در کنترل خود دارند. و شما هنوز می توانید از قامیشلو به دمشق پرواز کنید. بقیه شهر که پیش از آغاز درگیریها ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت به وسیله نیروهای پلیس کرد که "آسایش" نامیده می شوند و متحدانشان کنترل می شود.

در حال حاضر دو طرف بنظر می رسد باهم همکاری داشته باشند. مبارزان مانند روح از یکدیگر عبور می کنند. در میدانی در مرکز شهر سربازان سوری سوار بر کامیونی که روی آن ضدهوایی نصب شده بود از میان جمعیتی از کودکان مدرسه ای گذشتند درست زمانی که نیروهای کرد در حال گشت زنی بودند و آنها را از طرف دیگر میدان راندند.

چنین همکاری میان این نیروهاست که مخالفان PYD می گویند که آنها یا فریب خورده یا متحد رژیم اسد هستند. "وزرای دولت هنوز هم از اینجا بازدید می کنند و کارمندان دولت هنوز حقوقشان را

## حکم سه بار اعدام برای یک زندانی سیاسی کرد

دادگاه انقلاب طی حکمی بی سابقه یک زندانی سیاسی کرد را به سه بار اعدام محکوم کرد. گزارش های منتشر شده حاکی از آن است که دادگاه انقلاب سندج یک شهروند کرد به نام "مرتضی رحمانی" را به اتهام هایی چون اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در یک حزب کرد به سه سال زندان و سه بار اعدام محکوم کرده است.

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدی در این خصوص گزارش کرده که این شهروند کرد اهل روستای "تیلکو" در نزدیکی شهر کامیاران بوده و ۲۰ ماه پیش توسط نیروهای امنیتی وابسته به اداره اطلاعات این شهرستان به اتهام همکاری با حزب حیات آزاد کردستان بازداشت شده است. بر پایه این گزارش دادگاه انقلاب سندج وی را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در پژاک به حکم بی سابقه سه بار اعدام و سه سال زندان محکوم کرده است. گفته می شود مرتضی رحمانی در طول دوران بازداشت بارها توسط مقامات امنیتی مورد بد رفتاری و شکنجه قرار گرفته است. محکومیت این شهروند کرد به اعدام در حالی است که طی چند هفته گذشته دیوان عالی کشور حکم اعدام یک زندانی دیگر سیاسی را به نام "سامان نسیم" را تأیید کرده بود. روز دوشنبه هفت بهمن نیز هفت نفر در زندان "دزل آباد" کرمانشاه به اتهام هایی مرتبط با قاچاق مواد مخدر و قتل عمد اعدام شدند.

روند اجرای احکام اعدام از پس از روی کار آمدن دولت روحانی افزایش یافته و موجب اعتراض بسیاری از فعال ها و نهاد های حقوق بشری شده است. شایان ذکر است که آبان ماه امسال سه زندانی سیاسی کرد به نامهای "حبیب الله گلپری پور"، "رضا اسماعیلی" و "شیرکو معارفی" را در زندانهای ارومیه، سلماس و سفز اعدام شدند و بیش از ۲۰ زندانی دیگر کرد نیز با خطر اعدام مواجه اند. در گزارش دیگر بنا به اطلاع گزارشگران هران، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز چهارشنبه ۲ بهمن ماه خدابخش قاضی ناظر بر زندان به زانیار و لقمان مرادی اطلاع می دهد که پرونده ایشان برای رسیدگی در دادگاه عمومی ارسال شده و در این دادگاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پرونده ایشان بیشتر در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی مورد بررسی قرار گرفته و برای ایشان محکومیت اعدام در نظر گرفته شده است. زانیار مرادی و لقمان مرادی متهم هستند پسر امام جمعه مریوان را به قتل رسانده اند. لازم به یاد آوریم، این اتهام بارها توسط زانیار و لقمان مرادی رد شده است.

## افزایش اعدامها و گسترش فضای رعب و وحشت

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی و مزدوران جلادش در تداوم سیاست گسترش فضای رعب و وحشت بمنظور اعمال قدرت پوشالی نظام تا خرخره در بحرانهای لاینحل فرو رفته اش ، هر روز بر ابعاد جنایت و آدمکشی خویش میافزایند و در میدان سرکوب و اختناق حاکم دستهای مزدوران جلاد این نظام بحرانزده را برای اعمال هر جنایت شنیعی کاملاً از جانب سردمداران حاکمیت ترور و خفقان باز نگهداشته ، تا شاید چند صباحی بیشتر به حیات ننگینش ادامه دهد .

رژیمی که از هر سوی درگیر بحرانهای فزاینده و رو به گسترش اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و هزاران هزار معضل دیگر است هر از چند گاهی که خویش را در گرداب بنیان بر افکن بحرانهای داخلی و بین المللی میابد به سیاست گسترش فضای رعب و وحشت روی میاورد بطوریکه از زمان روی کار آمدن روباه بنفش حسن روحانی تا کنون ، بیش از ۲۰۰ مورد اعدام گزارش داده شده است و از ابتدای سال میلادی جدید ۴۰ مورد اعدام را خود منابع دولتی ایران تأیید کرده اند.

این اعدام ها با بهانه و عنوانهای مختلفی صورت میگیرد که بارزترین آنها مبارزه با قاچاق مواد مخدر است؟! حال همگی بر این امر واقفند که جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش منشا گسترش و اشاعه تمامی اعمال نفرت انگیز و زشت نظام پوسیده سرمایه داری آنهم در آشکارترین شیوه ممکن بوده که مواد مخدر نیز بعنوان یکی از ابزارهای سیه روزی توده های مردم و اسارات آنها از جانب نظام سرمایه داری ایران که جمهوری اسلامی بعنوان روبنای سیاسی آن بشمار می رود ارزیابی میگردد.

قوانین جمهوری اسلامی بدون آنکه کاری به منشا و سرچشمه اشاعه مواد مخدر داشته باشد بمنظور انحراف افکار عمومی و گسترش فضای رعب و وحشت ماشین کشتار خود را بکار میاندازد و صدها تن از قربانیان حرص و ولع نظام فاسدی که خود بر مردم حاکم گردانیده ، اعدام میکند .

بی شک تنها پاسخ شایسته و قاطع در برابر قهر ضد انقلابی اعمال قهر انقلابی توسط توده های محروم ستمدیده است و نباید فراموش کرد که قهر مادی تنها با قهر مادی باید سرنگون کرد.

سوریه برای جنگیدن با آنها می کنند ادعایی که آنکارا آنرا رد می کند.

### سوریه چند پارچه

دمشق اتونومی در حال رشد کردها را یک چالش عمده در نظر می گیرد. بنظر می رسد شانس ایجاد دوباره سوریه متحد با یک حکومت مرکزی ضعیف است حتی اگر بتوانند در مورد صلح به توافق برسند. ناسیونالیسم کرد به چالش ایجاد دوباره کشوری متحد که در مبارزه قدرت منطقه ای گسترده تری درگیر شده است که میان سنی ها- که اکثریت شورشیان را تشکیل می دهد- و شیعیان ایران که از اسدی علوی حمایت می کند.

جدا از جاه طلبی کردها جنگ نیمچه دولتهایی ایجاد کرده است، بعضی به وسیله شورشیان سنی و بعضی به وسیله اقلیت علوی اداره می شوند. هرچه سوریه بیشتر به فروپاشی نزدیک می شود اقلیت ها انتیکی و مذهبی بیشتر مرزهای موجود را زیر سوال می برند. مخصوصاً کردها و سنی ها در عراق ممکن است مدعی شوند که مشترکات بیشتری با برادران خود در آنسوی مرز به نسبت بقیه کشور دارند.

با توجه به منافع رقیب برخی سیاستمداران محلی بر این باورند ممکن است در سوریه یک سیستم فدرال پدیدار شود. یکی از رهبران PYD آلدار خلیل می گوید "نمی توانم تصور کنم که یک علوی یا یک سنی قادر باشد کابینه ای را تشکیل دهد که در آن دیگران سهم داشته باشند. بیش از حد دشوار است ذهنیت این جوامع را از دولت تغییر داد. شاید ما مجبور به ایجاد حکومت های جداگانه کردها، سنی ها و علوی ها باشیم" او پیش بینی یک سیستم فدرال را می کند بجای اینکه کردها از عرب ها جدا شده و دولتی از آن خود را ایجاد کنند. "جدایی از سوریه اتفاق نخواهد افتاد. اما یک سیستم فدرال امکان پذیر است."

با این وجود، برخی از مردم عادی کرد هنوز به امید تحقق یک هویت متحد کردی هستند. جوانان ترکیه ای بطور قاچاق مبارزه در سوریه می پیوندند. کردها از ترکیه و ایران تلاش می کنند در احیای فرهنگشان به کردها در سوریه یاری برسانند.

فعالان و نویسندگان کرد در ایران و ترکیه به منبعی برای الهام مناطق کردی در سوریه بدل شده اند. "خوشمان قنو" شاعر و روزنامه نگار محلی در قامیشلو می گوید "ما فرصتی برای توسعه ایده هایمان در مورد مسائل اجتماعی، مذهبی و سیاسی یافته ایم. این می تواند یک رنسانس برای کردها باشد."

منبع: NNSROJ



## رشد دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه

۱. اعمال قهر انقلابی و اشکال مبارزه ی مسلحانه

از آنجایی که مسئله اعمال قهر انقلابی، قیامهای عمومی توده ای، جنگ دراز مدت توده ای، مبارزات چریکی، تبلیغ مسلحانه و خلاصه اشکال مختلف مبارزه ی مسلحانه در معرض برداشت های مختلف قرار گرفته و اختلافات گوناگونی را برانگیخته است. لازم میدانیم که هر چند مختصر این مسائل را از دیدگاه تاریخی و تجربیات جهانی مورد بررسی قرار دهیم تا به اختلافات موجود بر سر تبلیغ مسلحانه در ایران بپردازیم.

قهر سیاسی محصول تکامل جامعه ی بشری در مرحله ای خاص است. هر مرحله از رشد اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری مناسبات و اشکال تسلط ویژه ای را بهمراه داشته است و در همین رابطه است که میتوان تسلط گروهی از انسانها را بر گروهی دیگر و چگونگی آنرا در هر مرحله ای توضیح داد. هنگامی که تکامل ابزار تولید این امکان را پدید آورد که بخشی از جامعه به خرج بخشی دیگر زیست کند، هنگامی که تکامل اقتصادی جامعه ی بشری به مرحله ای رسید که مالکیت خصوصی پدید آمد و جامعه به طبقات متخاصم تقسیم شد، نیاز به ارگانی پدید آمد که اقلیت استثمارگر جامعه از طریق آن موقعیت خود را حفظ کند. این ارگان دولت است. دولت بطور سیستماتیک به قهر و زور بر علیه توده های تحت ستم متوسل میشود تا آنها را در انقیاد نگاه دارد و اراده ی اقلیت را بر اکثریت تحمیل کند. بقول انگلس کارکرد دولت در جامعه ی طبقاتی است که با "توسل به قهر شرایط وجودی و تسلط طبقه ی حاکم را در برابر طبقات محکوم حفظ کند". بهر حال طبقات فرودست نه به دلخواه بلکه به اجبار ستم و بهره کشی را پذیرا شدند. این اجبار در تاریخ اشکال گوناگون داشته است لیکن تبلور آن همیشه در شکل مشخصی از اعمال اتورینه ی اجتماعی از طریق ارگان های خاص هر مرحله ی تاریخی بوده است و این امر خود بر اساس ضرورتی ناشی از تکامل اقتصادی - اجتماعی جوامع بشری استوار بوده است، یعنی در نهایت و اساسا از یک عملکرد اقتصادی - اجتماعی ناشی شده است. شکل گیری طبقات و تملک محصول

## طبقه تحت ستمی که برای بدست آوردن سلاح و طرز استفاده آن بمنظور کسب آزادی و نجات خویش تلاش نکند جایز است که با او همانند برده رفتار شود. لنین

کار دیگران شکاف بین انسانها را هر چه عمیقتر ساخت و ستیز بی امان طبقات تداوم تاریخ جوامع بشری گشت و تا زمانی که چنین شکافی در هر جامعه ای موجود باشد این ستیز با شدتی هر چه بیشتر تداوم خواهد یافت.

باری طبقات حاکم و استثمارگر به موازات تحولات اجتماعی ابزار سرکوب خود را تکامل بخشیدند و بر تجربیات خود افزودند و همانگونه که ابزار اسان تکامل یافت و مناسبات اجتماعی جدیدی جای مناسبات کهنه را گرفت و ابزار اعمال قهر نیز تکامل یافت تا به آنجا که امروز در کشورهای امپریالیستی و کشورهای وابسته به آنها یک دستگاه تمام عیار و کامل زور و فشار و اعمال قهر که مجهز به تازه ترین تجربیات تکنیکی و سلاح های پیشرفته است بوجود آمده است. بنابراین در تمام جوامع طبقاتی این دستگاه اعمال قهر و اعمال فشار فیزیکی وجود داشته و اگرچه روشهای اعمال قهر در طی تاریخ تغییر کرده است اما مادام که جامعه طبقاتی وجود داشته باشد، اعمال قهر سیاسی نیز وجود خواهد داشت.

این قهر یعنی قهری که توسط استثمارگران، اقلیت جامعه بر علیه اکثریت توده های مردم و در جهت به انقیاد کشاندن آنها و سد کردن پیشرفت و تکامل تاریخی صورت میگیرد، قهری ضد انقلابی است. اما اعمال قهر یک جانبه نیست. همانگونه که قهر سیاسی از سوی طبقات استثمارگر اعمال میگردد، از سوی طبقات فرودست نیز اعمال میشود. توده های تحت ستم برای رهایی از یوغ ستم، استثمار و بندگی برای درهم کوبیدن قید و بندهایی که مانعی بر سر راه تکامل تاریخ است، برای مقابله با قهر ضد انقلابی به قهر انقلابی متوسل می شوند.

"اینکه قهر نقش دیگری هم در تاریخ باز میکند یعنی نقش انقلابی و اینکه قهر باصطلاح مارکس قابله ی هر جامعه ی قدیمی است که آستان جامعه ی جدید است و اینکه قهر کار افزاریست که بوسیله ی آن حرکت اجتماعی راه خود را باز میکند و اشکال سیاسی متحجر و از کار افتاده را در هم میشکند.. (انگلس - انتی دورینگ)

بیانگر نقش انقلابی قهر در جهت تغییر و تحولات اجتماعی است. تاریخ تمام جوامع طبقاتی و تاریخ تمام انقلابات نشان داده است که طبقات تحت ستم برای رهایی از یوغ ستم و قهر ضد انقلابی برای زایاندن جامعه ی نوین به قهر انقلابی متوسل شده اند. و اینجاست که بقول لنین "مسائل بزرگ تاریخ را تنها با قهر میتوان حل کرد". (لنین - کلیات جلد ۸)

شورشهای بردگان، زغیانهای دهقانان و قیامهای کارگران بیانگر اعمال قهر انقلابی توده هاست. بنابراین اگر قهر ضد انقلابی آسیبی جدی به نیروهای بالنده ی جامعه وارد می آورد قهر انقلابی آنان را شکوفان میسازد. اگر قهر ضد انقلابی سدی در مقابل رشد نیروهای مولده است، قهر انقلابی بعنوان راه گشای این رشد عمل کرده است.

باری باید در نظر داشت که قهر تنها به معنای قهر مسلحانه نیست، قهر مسلحانه عالیترین شکل قهر است و هر قهری مضمون سرنگونی ندارد. باید دانست که قهر اشکال مختلف بخود میگیرد و بسته به شرایط مضمون خاص خود را دارد.

در کشوری که دیکتاتوری نظامی - فاشیستی بر آن حاکم است و هرگونه حرکت مسالمت آمیز توده ها با سرکوب قهرآمیز روبرو میشود، حرکات و اعتراضات توده ها غالبا خصلت قهرآمیز (و نه الزاما مسلحانه) بخود میگیرد. اما هنوز نمی توان گفت که توده ها به اشکال قهر آمیز مبارزه برای سرنگونی رژیم روی آورده اند. مثلا در گذشته رژیم شاه حتی در مقابل خواسته های صنفی کارگران و یا توده های دیگر، به قهر ضد انقلابی متوسل شد، کارگرانی که بخاطر افزایش حقوق خود اعتصاب میکردند، غالبا با نیروهای سرکوب، اعتصاب آنها در هم شکسته میشد، و بدین لحاظ قهر انقلابی متقابل کارگران را بر می انگیخت، اما این امر دلیل روی آوردن کارگران به اشکال قهرآمیز مبارزه برای سرنگونی رژیم نبود. این خود یکی از مسائلی است که بویژه در رابطه با کشورهای تحت سلطه و وابسته که رژیمهای نظامی - فاشیستی بر آنها حاکمند قابل بررسی است و این امر یکی از زمینه های عینی اعمال قهر مسلحانه از سوی پیش آهنگ است. چر در کشورهای تحت سلطه و وابسته، حرکات و اعتراضات مختلف غالبا خصلت قهر آمیز بخود میگیرد و حال آنکه در کشورهای امپریالیستی این چنین نیست؟

همانگونه که میدانیم بورژوازی اراده و منافع خود را در قوانین کشورهای بورژوائی متبلور میسازد و قانون بیان اراده

### اوضاع سیاسی . اجتماعی بهمن در سالروز سیاهکل ...

داخلی و خارجی رژیم منجر به تشدید تضادها و رشد روز افزون مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان ایران شده است . توده های مردم قادر به تحمل این همه فشار نیستند و موج اعتراضات توده ای بنیانهای حاکمیت را درهم خواهد شکست . تشدید بحران اقتصادی ، تشدید بحران سیاسی را در پی خواهد داشت و رشد بحران سیاسی تضادها و اختلافات درونی حاکمیت را مداوما تشدید خواهد نمود . اوضاع بحرانی موجود و تحقق خواسته های انقلابی توده ها یک دگرگونی بنیادین و انقلابی را میطلبد و یگانه راه حلی که بتواند توده های مردم را از زیر بار تمام ستمگری سیاسی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود رها سازد ، راه حل انقلابی و دمکراتیک مسائل از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار قدرت توده ای و برچیده شدن سیستم کهن و ارتجاعی با تمام پیوندهایش است . تحقق خواسته های انقلابی توده ها نه در شعارهای بی محتوای جریانات عافیت طلب و آزموه شده که پرونده قطور خیانت و جنایت آنان بر علیه توده ها بر همه آشکار است و نه در شیفته و شیدا شدن دستجات آدمکش و چماقدار درون حاکمیت بلکه در اعمال اراده خود آنان در براندازی نظام جمهوری اسلامی با تمامی دستجات آن چه در درون حاکمیت و چه بیرون آن نهفته است . 35 سال تجربه پس از قیام بهمن ماه 57 به کارگران و زحمتکشان ایران اثبات نموده است مادام قدرت سیاسی در دست سرمایه داران قرار دارد هیچ یک از خواسته های توده های مردم محقق نخواهد گشت . وجود شمار کثیری از جریاناتی که تحت حمایت های مالی دول غربی و با نام انتقاد از شیوه حاکمیت جمهوری اسلامی و یا فلان سردمدار رژیم سعی در تخطئه مبارزه قهر آمیز بمنظور سرنگونی حاکمیت داشته و اعمال قهر از جانب توده ها و پیروانش را اساسا به استهزا گرفته و رد میکنند بیانگر این واقعیت است که قریب به اتفاق آنها ساخته و پرداخته ارتجاع و امپریالیسم بوده و هدف مشترکی که همانا بقا سیستم استثمارگر سرمایه داری است را دنبال میکنند . تداوم 35 سال حاکمیت ارتجاعی اثبات مینماید که راهی را که جنگاوران فدایی در 19 بهمن ماه 49 پیش پای پویندگان راه آزادی و برابری قرار دادند به حق تنها راه برافروختن آتش مبارزه بی امان علیه ستمگران نظام فرتوت سرمایه داری است . زمان آن فرا رسیده که کارگران و زحمتکشان ایران با بی اعتمادی کامل نسبت به تمامی مخالفان بورژوازی رژیم در هر شکل و شمایلی و با هر ادعایی که دارند بپا خاسته و قهر مادی را با قهر مادی پاسخ گویند .

### کمیته کردستان بهمن ۹۲

طبقات حاکم است . از این رو بورژوازی حد و حدود حرکات و اعتراضات توده ها را در محدوده ی قانون بورژوازی می پذیرد و به حرکات توده ها تا آنجا میدان داده میشود و حق اعتراضی وجود دارد ، که در چارچوب نظم موجود ، قوانین مجاز دانسته اند . هرگونه اقدامی که در ورای محدودهای این قانون قرار گیرد ، خارج از نظم موجود دانسته میشود و از اینجاست که بورژوازی بر علیه توده ها به قهر سرکوبگر متوسل میشود . از این رو محدوده های قانون بورژوائی بصورت خط و مرزی در میاید که مسالمت و قهر از یکدیگر جدا میشوند . هر آنچه که این خط و مرزها محدودتر باشد و اعتراضات توده ها در این محدوده ننگد ، قهر ضد انقلابی بیشتر و گسترده عمل میکند و متقابلا قهر انقلابی توده ها و اشکال قهرآمیز مبارزه را بدنبال خود می آورد . بنابراین در کشورهای وابسته و تحت سلطه که مدام محدوده های قانونی فعالیت مسالمت آمیز توده ها محدودتر میشود ، به همان نسبت حرکات و اعتراضات توده ای خصلت قهرآمیز بخود میگیرد و همانگونه که گفتیم این امر یکی از زمینه های عینی اعمال قهر مسلحانه از سوی پیش آهنگ است . در اینجا فرصت نیست دلایل اقتصادی - اجتماعی و ریشه ای این مسئله را که چرا در کشورهای تحت سلطه و وابسته دیکتاتوری خشن ، اعمال قهر ضد انقلابی و محدود کردن حرکات مسالمت آمیز توده ها ، امری متداول میشود مورد بررسی قرار دهیم و در بخش دیگر این مسئله را خواهیم شکافت .

تجربیات تاریخی نشان داده است که پرولتاریا و توده های تحت رهبری آن تنها با قهر میتوانند نظم طبقاتی و حاکمیت طبقاتی را از میان بردارند . برای سرنگونی طبقات حاکم باید ماشین دولت بورژوائی درهم کوبیده شود ، برای درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوائی باید ارتش و تمام ارگانهای مادی سرکوب را درهم کوبید ، برای درهم کوبیدن ارتش و تمام ارگانهای مادی سرکوب بورژوازی باید متقابلا به سلاح مجهز بود . بنابراین اعمال قهر توده ای برای درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوائی بدون قهر عقیم میماند . ادامه در شماره بعد ...

**در نتیجه رشد سرمایه داری و فرمهای از بالای دولت در دهه چهل و سرازیر شدن میلیونها دهقان بسمت شهر ها و وارد شدن بخش زیادی از آنها در مشاغل کارگری مزید بر علت شد تا روحیات خرده بورژوازی سنتی و نگرشهای غیر ماتریالیستی و غیر طبقاتی در میان کارگران زمینه رشد یابند . طبقه کارگر نه تنها آماج جهانیستی غیر مارکسیستی توسط احزاب اپورتونیست بود . بلکه اندیشه های مذهبی و روحیات دیر پای دهقانی با تمام عواقب خود بوسیله خیل دهقانان تازه پرولتار شده بدرون طبقه کارگر سرازیر شد و موانع زیادی در ارتقا آگاهی طبقاتی کارگران بوجود آورد .**

**بروز اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی . اختلاف بین چین و شوروی . ناتوانی احزاب وابسته به قطب های اردوگاهی در پاسخ به مسائلی که به همراه رشد شتابان سرمایه داری در دهه ۴۰ مطرح کرده بود . گسترش صنایع و به تبع آن افزایش کمیت طبقه کارگر . حل شدن برخی مسائلی که قبل از سلطه نظام سرمایه داری مطرح بودند . همه و همه آن زمینه های عینی بودند که هم انشعابات متعدد را در احزاب قدیمی بوجود آوردند و هم به شکلگیری احزاب و سازمان های جدید زمینه و میدان دادند .**

**تشکیل سازمانهای نظیر چریک های فدائی خلق ایران و سایر گروه ها و احزاب مشابه در پاسخ به این نیازها بود که با رشد و گسترش شتابان نظام سرمایه داری ضرورت عینی یافته بودند . سازمان فدائی با وجودیکه در پاسخ به نیاز جنبش طبقاتی و با هدف سوسیالیسم تاسیس شد و طی هشت سال مبارزه خونین از پشتیبانی طبقه کارگر و توده های مردم برخوردار گردید . اما بدلائل مختلف از جمله ساختار عینی اجتماعی و سطح تکامل جامعه . وجود دیکتاتوری . ترکیب عمدتا روشنفکری و فقدان برنامه ای پرولتاری و .... عملا به محل تجمع عناصر گوناگون اجتماعی با اهداف و چشم اندازهای متفاوت و مبهم تبدیل شد . که تنها در شرایط رکود مبارزه طبقاتی میتوانست به حیات خود در چنین ساختار و اهدافی عموم خلقی ادامه دهد .**

**با کمک های مالی خود  
سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست را یاری  
رسانید.**



## درس آموزی از تجارب تاریخی! به مناسبت ۲۴ ربه ندان ( بهممن ) سالروز تاسیس جمهوری خودمختار کردستان



بردارد و به نظامات قرون وسطائی پایان بخشد . از این رو مناسبات فئودالی در سراسر ایران ابقا گردید . این مناسبات در مناطقی که از لحاظ تکامل اقتصادی - اجتماعی عقب تر بود ( نظیر کردستان ) باقوت بیشتری به حیات خود ادامه میداد و حتی با مناسبات عشیرتی درهم می آمیخت . مسئله ملی و مسئله ارضی که جزو وظائف انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود همچنان لاینحل ماند .

تسلط چنین مناسباتی بویژه در کردستان و سرکوب و ستمی که از جانب حکومت مرکزی ایران نسبت به خلق کرد اعمال میگردد ، زمینه اصلی رشد و گسترش مبارزات توده ها پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان در کردستان گردید . جنبش ملی خلق کرد که بر بستر چنین زمینه اقتصادی - اجتماعی توانست با انگیزه خود ویژه و برای تحقق خواست های دمکراتیک پا به عرصه بگذارد ، سرانجام در دوم بهمن سال ۱۳۲۴ در شکل جمهوری خودمختار کردستان تجلی آشکاری بخود گرفت و در شمال و قسمت هائی از مرکز کردستان استقرار یافت . اما ضعف های مشخص رهبری جنبش موجب آن گشت که این جمهوری بیش از یازده ماه دوام نیاورد . هر چند که در این میان ، از خودگذشتگی ، جانبازی و ایستادگی قاضی محمد بعنوان رهبر جنبش ، وفاداری اش به خلق کرد گرانقدر و ارزشمند است تا آنجا که همراه با نزدیک به بیست و پنج هزار شهید ، جان خود را نثار کرد و سنت مقاومت تا پای جان را در جنبش خلق کرد برجای گذاشت ، هر چند که رهبری جنبش در طول حیات جمهوری کردستان به برخی اقدامات دمکراتیک در زمینه مسائل فرهنگی دست زد اما این رهبری ذاتا ناپیگیر که ترکیبی از بورژوازی ، خرده بورژوازی و عناصری از فئودالها را در خود جای داده بود ، از انجام اقدامات اساسی و بویژه محوری ترین مسئله توده های خلق کرد ، یعنی مسئله ارضی حتی در چارچوب بورژوا - دمکراتیک آن نیز باز ماند . تسلیح و بسیج عمومی دهقانان که نیروهای اصلی این جنبش را تشکیل میدادند و سازماندهی آنها در تشکل های خاص خودشان برای ادامه مبارزه انجام نیافت و سرانجام اعتماد به

پس از سقوط دیکتاتوری رضا خانی در شهریور سال ۱۳۲۰ که با از هم گسیختگی نسبی سیستم و نهادهای بوروکراتیک حاکم همراه بود ، فضای نیمه دمکراتیکی در سراسر ایران بوجود آمد که پدیدار شدن تشریفات ، احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی را نیز در پی داشت . توده های زحمتکش مردم ایران که سال ها زیر شدیدترین شرایط ستم ، سرکوب و خفقان قرار داشتند ، تحت چنین شرایطی توانستند دامنه مبارزات خود را گسترش دهند . بر بستر چنین زمینه و وضعیتی که جنبش توده ای در سراسر ایران اوج می گرفت ، جنبش های ملی در آذربایجان و کردستان نیز شکل گرفت .

از سوی دیگر کشور ایران در روند تکامل سرمایه داری جهانی و تبدیل آن به امپریالیسم ، یعنی در آستانه قرن بیستم ، وارد مدار بازار جهانی سرمایه گردید و صدور سرمایه مالی امپریالیستی پروسه انباشت سرمایه را در ایران کند نمود . این پدیده یعنی حضور و سلطه تدریجی امپریالیسم بر کشورها موجب آن گشت که نیروهای مولده و تکامل ملی در کشورهای مختلف به شکل ناموزون و غیر یکسانی رشد کنند . این رشد ناموزون نیروهای مولده حتی در داخل یک کشور ، بسته به شرایط تکامل تاریخی نیز میتواند انعکاس یابد . تبعات یک چنین رشد ناموزونی در ایران چنین بود که بورژوازی در جوار ادامه حیات فئودالیسم و مناسبات کهنه ی آن ، عرض وجود کند . بورژوازی ایران که در مقطع خیزش های ملی که با دوره ورشکستگی و فروپاشی فئودالیسم توأم بود برای تسخیر بازار داخلی و جایگزینی مناسبات تولید کالائی بجای شیوه تولید و مناسبات منسوخ فئودالی به میدان می آمد اما قید و بند امپریالیسم بر دست و پای این بورژوازی او را همانطور که از رشد و شکوفائی کلاسیک باز میدارد به همان میزان نیز از درجه ستیزش با فئودالیسم می کاهد . انقلاب بورژوا - دمکراتیک مشروطه که حاصل چنین شرایطی بود و انجام تحولات بورژوا - دمکراتیک را بر عهده داشت ، عملا قادر نگشت موانعی را که مناسبات فئودالی بر سر راه تحول اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده بود ، از سر راه

دولت ارتجاعی مرکزی ، جنبش ملی را از تکیه گاه اصلی خود جدا ساخت تا آنکه دولت سرکوبگر با یورش به کردستان به سرکوب خونین جنبش پرداخت و آن را به شکست کشاند .

جمهوری خودمختار کردستان هر چند با شکست مواجه گردید ، و در دهم فروردین ماه ۱۳۲۶ قاضی محمد و برادرش "ابولقاسم صدر قاضی" و عمویش "محمدحسین خان سیف قاضی" به چوبه‌ی‌دار آویخته شدند . اما آن زمینه های اصلی که بر بستر این جنبش شکل گرفته بود به کلی از میان نرفت . تحولات بعدی جامعه ایران و از جمله رفرم ارضی در آغاز دهه چهل که با صدور گسترده سرمایه های امپریالیستی به ایران توأم بود جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودالی را از عرصه خارج ساخت . این تحولات تدریجی که از طریق اصلاحات از بالا ، آرام و منطبق برخواست امپریالیسم انجام میشد ف هر چند که شیوه تولید سرمایه داری را که وجه مشخصه اصلی آن مناسبات تولید کالائی است گسترش داد و بر سراسر ایران مسلط گردانید ؛ اما از آنجا که پروسه این تحول و گسترش از بالا بود و جایگزینی سرمایه داری با نظامات قبلی به دلخواه طبقات حاکم انجام می گردید ، مانع ادامه حیات و بقاء بقایای کهنه شده نظامات قبلی نشد ، بسیاری از خواست ها و وظائف دمکراتیک از جمله مسئله ملی همچنان بر جای ماند . از این رو چگونگی حل مسئله ملی در ایران توجه عمیقی را به پروسه این تحولات اقتصادی - اجتماعی و همچنین تجارب تاریخی جنبش های ملی را میطلبد . اگر در مقطع شکل گیری جمهوری خود مختار کردستان ، تکیه اصلی میبایستی بر روی بسیج عمومی و بالاخص تسلیح دهقانان می بود و بر پیشبرد جنگ دراز مدت توده ای تاکید میگردد ، امروز با توجه به تغییراتی که در ساختار اقتصادی - اجتماعی رخ داده است ، مبارزات کارگران و زحمتکشان در شهرها ، از وزن بسیار بالائی در جنبش برخوردار گشته است و می بایستی توجه کافی و درخور به آن مبذول گردد . امروز اگر چه شکل دهی و سازماندهی مبارزات مسلحانه توده ای کماکان یکی از عرصه های مهم مبارزه در کردستان است ، اما بدلیل تحولاتی که فوقا بدان اشاره گردید ، بایستی بر اهمیت و نقش سازماندهی کارگران و زحمتکشان شهری بطور جدی تاکید شود و نقش اصلی آن مد نظر قرار گیرد .

اگر زمانی پتانسیل محدود نیروهای رهبری جنبش خلق کرد خواست ها و مطالبات این جنبش را محدود و مقید می ساخت و با توهم برانگیزی نسبت به حکومت ارتجاعی

ایران یک کشور کثیر الملّه است و کسی نمیتواند این ویژه گی ایران را که کشور است محل اسکان ملیتهای مختلف، ترک، فارس، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب و غیره انکار کند. و ستمی که در طول سالیان متمادی بر این ملیت ها روا شده است نیز غیر قابل انکار است. بغیر از تضییقات و تبعیضات اقتصادی و سیاسی (به استثنای ملیت فارس) آنها از خواندن و نوشتن و حتی در مواردی از صحبت کردن به زبان مادری خود نیز محروم بوده اند، برای همین هم رفع این تبعیضات و ستم ها به یکی از نکات گریه مبارزه تبدیل شده و از خواست های مهم و اساسی دموکراتیک محسوب میگردد. بطوریکه امروز کسی نمیتواند نام خود را دموکرات و آزادیخواه بگذارد ولی از مردمی که کار میکنند، تولید میکنند و مالیات میپردازند و..... بخواهد که به هر دلیل و توجیهی این ستم را متحمل شده و صدایش در نیاید. اتفاقاً موضع در برابر رفع ستم ملی و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل، معیار بسیار مهم و اساسی است برای شناختن دوستان و دشمنان آزادی. تا وقتی که در ایران مللی هستند که اینگونه در زنجیر اسارت به سر میبرند، استقرار آزادی و دموکراسی محلی از اعراب نخواهد داشت.

تاریخ مبارزات صد ساله اخیر در ایران، مبین این واقعیت انکار ناپذیر است که هرگاه مردم زحمتکش ایران بپا خواسته اند تا کاخ ستم و استبداد را در هم کوبند، در این میان به محض اینکه ملتی خواسته از دست آورد مبارزاتی خود استفاده کرده و در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشد، تحت عنوان «خطر تجزیه طلبی» مورد حمله قرار گرفته و از همانجا ریشه بازگشت استبداد، سرکوب و تداوم آن در سراسر کشور کاشته شده است. میشود گفت که ریشه های تاریخی استبداد و ارتجاع در ایران در همین اسارت خلفاست و طبقه کارگر هم برای اینکه گریبان خویش را از مساله ملیت ها رها سازد ناچار است از مبارزه برای رفع ستم ملی به نفع آزادی خویش استفاده کند. از همین روست که در برنامه مصوب کنگره دوم سازمان ما که اساساً با بررسی او ضاع اقتصادی، اجتماعی و تاریخی ملل مختلف و روند مبارزه طبقاتی در ایران تهیه و تدوین شده است، مسئله رفع ستم ملی و حق تعیین سرنوشت ملل تا جدائی کامل از مکان برجسته ای برخوردار است.

جمهوری فدراتیو شورائی و مسئله ملیت ها در ایران

مرکزی، رهائی خلق کرد را تحت نظام ارتجاعی حاکم برآوردنی می شمرد، امروز کارگران و زحمتکشان کرد حق تعیین سرنوشت خود را جز در هم شکستن نظم پوسیده و ارتجاعی حاکم و برقرار نظامی که قادر به انجام تحولات انقلابی در کلیه عرصه های اجتماعی باشد نمی بینند و از همین رو است که هر گونه تلاش از جانب هر نیروئی که در جهت محدود ساختن خواست های انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد و با ایجاد موانع سر راه یک چنین تحول انقلابی محکوم به شکست و نابودی است.

اگر زمانی مناسبات فئودالی - عشیرتی حاکم بر کردستان زمینه رشد و گسترش جنبش های ملی را فراهم میساخت و نیروهای غیر پرولتری بر راس این جنبش ها عهده دار انجام رسالت می گشتند، امروز در اثر تحولات اقتصادی - اجتماعی و همچنین تحولاتی که در مناسبات اجتماعی پدیدار گشته است، مناسبات عشیرتی و فئودالی در اساس از هم پاشیده گشته و مناسبات تولید کالائی بر جامعه تسلط یافته است.

هزاران رشته حیات اقتصادی - اجتماعی کردستان را با کلیت اقتصاد ایران پیوند زده، آن را تقویت نموده و خلاصه آنکه ادغام اقتصاد در بازار واحد در سطح کشور صورت گرفته است. از همین رو تحکیم این پیوند های پایه ای جنبش ملی و از جمله جنبش خلق کرد را در ارتباط و پیوند نزدیک با حرکت اجتماعی سراسری ایران قرار داده است. هر چند که به دلایل ملی و فرهنگی این چنین جنبشهایی نمیتوانند در اشکال مبارزاتی متفاوتی نمودار گردند. قیام بهمین 57 خلق های سراسر ایران به عینه نشان داد که حرکت اجتماعی سراسری قادر است ملل تحت ستم را در ابعاد گسترده تری به میدان بکشد و در روند تاثیرات متقابل خود موجبات درجه استحکام و تعمیق و تداوم آن را فراهم سازد.

شکست جمهوری خود مختار کردستان و تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد نشان داده است که در عصر حاضر تنها پرولتاریا است که از آزادی و برابری واقعی ملل پشتیبانی میکند و قادر است در یک انقلاب سیاسی مسئله ملی را بطور قطعی حل کند.

حکومت ارتجاعی بورژوا - مذهبی جمهوری اسلامی که از بدو استقرار خود با هرگونه آزادی و خواست دموکراتیک توده ها به شکل آشکاری به دشمنی و کینه ورزی پرداخته است با حفظ و تحکیم مناسبات استثمارگرانه، ستمگری و نابرابری ملی را نیز تشدید نموده و عموم

زحمتکش میهنمان بوده و تخطئه جنبشهای انقلابی ملی خلقهای تحت ستم به هر بهانه و توجیهی جز تقویت جبهه ضدانقلاب و حاکمیت ارتجاعی آن در ایران پیامد دیگری بدنبال نخواهد داشت. تخطئه جنبشهای ملی انقلابی توده های تحت ستم پشت کردن به منافع توده ها و رویگردانی از مطالبات دموکراتیک آنان است و موجبات عدم اعتماد آنان را به نیروهای پیشتاز فراهم میسازد. نادیده گرفتن مطالبات دموکراتیک توده ها و از جمله حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم رویگردانی از مارکسیسم - لنینیسم انقلابی و و اصل بدیهی لنینیسم انقلابی حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا سرحد جدائیست.

### کارگران و زحمتکشان . خلقهای

#### تحت ستم برای پیروز شدن و

#### گرفتن حق و حقوقمان هیچ راهی

#### جز وحدت و تشکیلات منسجم

#### نداریم . شکل و مبارزه آگاهانه

#### تنها رمز پیروزیمان است . به

#### صفوف سازمان اتحاد فدائیان

#### کمونیست که سازمانی است متعلق

#### به کارگران و زحمتکشان بیپوندید !

کارگران و زحمتکشان و ملیت های تحت ستم را مورد قهر و سرکوب خود قرار داده است و سرنوشت خلق کرد را بیش از پیش به سرنوشت عموم کارگران و زحمتکشان سراسر ایران گره زده است.

بر این پایه الغاء ستمگری و نابرابری ملی قبل از همه در گرو آن است که شالوده آن نظامی که مسبب همه و هرگونه ستمگری (استثمار و بردگی) است در هم شکسته شود، در گرو سرنوختی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری نظامی دموکراتیک توده ای و برقراری سوسیالیسم است.

از این رو کمونیست ها وظیفه دارند در شرایط کنونی با درس آموزی از کلیه تجارب تاریخی و با شرکت فعال در امر مبارزه ملی و بویژه سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان، خلق کرد را به درک این مسئله رهنمون سازند که در پیوند با مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان سراسر ایران به پیروزی خواهند رسید و بایستی در جهت استحکام هر چه بیشتر این پیوند مبارزاتی گام برداشت.

کارگران و زحمتکشان ایران نیز بایستی متقابلاً درک نمایند که تقویت و حمایت از مبارزات توده های تحت ستم خلق کرد به نفع جنبش سراسری توده های کارگر و



## انتقاد و انتقاد از خود به شیوه کمونستی (بخش ۲)

سلسله گفتارهایی از رادیو صدای فدائی خطاب به هسته های سرخ

روش نقد کمونستی

هدف کمونستها تغییر جامعه طبقاتی از اشکال کهنه به شکل نوین و غیر طبقاتی است. اهداف کمونستها تغییر مناسبات اجتماعی است و نه تغییر خصلت و شخصیت اشخاص، چرا که خصلت و خصوصیات فردی خود در نتیجه تغییر مناسبات اجتماعی جبراً دگرگون خواهد شد.

ولی این تغییر و به ویژه در تبدیل از جامعه سرمایه داری به سوسیالیسم به صورت بلاواسطه و خود به خودی صورت نمی پذیرد، بلکه نقش شعور اجتماعی و عنصر آگاه، خود در مقاطع مشخص به عامل تعیین کننده این تغییرات مبدل می شود.

پس کمونست ها برای تغییر جامعه نخست باید خود و عناصر شعور اجتماعی را تغییر دهند. باید نیروهای محرک و پیشبرنده، عناصر آگاه و کمونست را بسازند. باید کارگران آگاه و پیشرو کارخانجات را سازماندهی کنند و پرورش دهند. حزب کمونست بمثابه تشکل پیشتاز این تغییرات نقش تعیین کننده ای می یابد. درست همین جاست که نقش افراد و شخصیتها گاه انچنان عمده می شود که دقیقاً می تواند در سرعت رشد و یا به عکس کند کنندگی حرکت این تحول، تاثیر گذارد و باز در همین جاست که هرگونه درک انحرافی و برخورد شخصی زمینه روز می یابد و با درک انحرافی به تمایلات فردی دامن زده می شود. اینجاست که در صورت وجود درک انحرافی از این تحولات وسیله به هدف مبدل می گردد و چشم انداز حرکت عمومی تحول، چه بسا به فراموشی سپرده می شود. فقط کافی است هر عنصر مدافع کمونسم برای لحظه ای هدف نهائی حرکت تحول بخش اجتماعی را از یاد ببرد. تا این وسیله را برای خود هدف کند. تا برخوردهای شخصی و یا گروهی را برای خود عمده کند، تا خود را محور عالم ببیند چنین افرادی از نظر ما کوتاه فکران مغزی هستند که هیچگاه فراتر از نوک بینی خود را نمی بینند. هر نقدی را به یک عامل کوبنده تبدیل می کنند و یا از هر انتقادی، کوبندگی خود را برداشت می کنند.

بر عکس کمونستها با هیچکس و هیچ چیز برخورد شخصی ندارند. کمونستها تغییر و تکامل شعور آگاهی افراد را برای تکامل شعور و آگاهی اجتماعی و برای تحولات مناسبات اقتصادی - اجتماعی دنبال می کنند. کمونستها برای نابودی استثمار می جنگند، کمونستها برای محو طبقات، از میان برداشتن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و برای استقرار یک نظام عاری از طبقات مبارزه می کنند، نه برای منافع این فرد یا آن گروه.

در راه و روش کمونستها برخوردهای شخصی وجود ندارد. اگر می خواهید بقایای این شیوه تفکرات انحرافی و روشهای غیر مارکسیستی را در نیروهای به اصطلاح چپ ایران بشناسید فقط کافی است به نمونه های ساده ای از برخورد نیروهای که خود را مدعی مارکسیسم - لنینیسم می دانند نظر بيفکنید تا نمونه های بارز آن را به کرات و در موارد متعدد مشاهده نمایید. اگر حزب توده را بمثابه مظهر رویزونیسم و تفورانگیزترین مدافع و مبدا گرایشات راست کنار بگذاریم، به پیکار برخورد می کنیم که مدام خود را مورد انتقاد قرار می داد، بدون اینکه تاثیری در حرکت خود ایجاد کرده باشد. و یا مثلاً راه کارگر را مشاهده می کنیم که هر چند با گرایشات مائونیستی مرزبندی مشخص دارد، اما بیش از ۵ سال است و هر سال هزار بار خود را به خاطر الودگی به انحرافات پوپولیستی مورد سرزنش و انتقاد قرار داده است، بدون آن که یک بار و برای همیشه به خود آمده باشد و یا با خود تعیین تکلیف کند که بالاخره سرچشمه این انحرافات در کجاست و چگونه می تواند ریشه کن شود. ظاهراً نقطه مقابل این جریان کومله قرار دارد، که با خیال خود از بدو تاسیس جز شاهکارهای نبوغ آمیز و ابداعات افتخار انگیز هیچ کم و کاستی نداشته و به خیال خود بمثابه پرچمدار نیروئی با راه و روش کمونستی سر از تخم بیرون آورده است. با این همه علیرغم تمامی اختلافات در سطح، اما در مضمون یک وجه اشتراک بارز بین این جریانات به چشم می خورد. این وجه اشتراک این است که هر سه جریان پیش از آنکه به تغییر و تحولات اجتماعی و تاثیرات تبعی خود، بر روند حرکت جامعه بنگرند، به دفاع از محفل خود، گروه خود و توجیه خود می اندیشند. حتی راه کارگر که بیش از دیگران خود را به باد انتقادات بیرحمانه می گیرد، به جای آنکه تلاش داشته باشد راه و روش صحیح را از نقد خطاهای خود بیابد، انتقاد از خود را به سنگری تبدیل کرده است برای ضربه گیری از انتقاد دیگران یعنی وسیله

ای برای نجات محفل خود. او از این انتقادات آیکی ابزاری ساخته است برای حفظ وضع موجود و نه عامل تحول بخش آن. در جنبش کارگری جهانی نیز این دست گرایشات محفلی که از انتقاد حربه ای ساخته می شود برای حفظ وضع موجود و منافع گروهی و محفلی، به کرات مشاهده می شود. برجسته ترین این نمونه ها را می توان در شیوه ی تفکر و روش کار تروتسکیست ها مشاهده کرد. خود تروتسکی به عنوان ثنوریه پرداز این گرایش در تمامی دوران انقلابات روسیه خود را محور تغییر و تحولات به حساب می آورد و در نقد بلشویک ها علی رغم درک وارونه از مسائل انقلاب، پیوسته خود را راهگشای حرکات پیروزمند پرولتاریای روسیه قلمداد می کرد. تا جایی که حتی بتصور خود چنین می پنداشت پیروزی انقلاب اکثر نیز نه بر اساس خط و مشی و برنامه بلشویک ها و تحت رهنمودهای داهیان لنین، بلکه بر مبنای "نقطه نظرات شخص او" تحول پذیرفته است. در مقابل هرگونه گرایش انحرافی، مانیفست کمونست، روش انتقاد کمونستی را مشخص می کند:

"در جامعه بورژوازی گذشته بر حال حکم رواست، در صورتی که در جامعه کمونستی، حال برگزیده حکم روا خواهد بود." مانیفست کمونست با این بیان روشن می سازد که به جز پرولتاریا که بر تغییر و تحولات اجتماعی اراده کرده و در جهت آن گام می گذارد، همگی طبقات و اقشار اجتماعی جز حفظ شرایط موجود و وضعیت خود را مد نظر ندارند.

اولین و اساسی ترین اصل انتقاد کمونستی نیز می باید حتماً و قطعاً دگرگونی و تحول را در نظر داشته باشد. همانطور که گفتیم انتقاد از دیدگاه کمونستی، حربه موثری است برای چیرگی بر وضعیت حال و تحول به وضعیت جدید. انتقاد وسیله ای است برای نفی شرایط کهنه و فرارویی به شرایط نوین. کمونستها از طریق انتقاد به خطاها و اشتباهات گذشته خود دست می یابند تا راه حل آینده را بیابند. از همین رو در انتقاد به شیوه ی کمونستی، اولاً برخوردها و تمایلات شخصی مطلقاً جایگاهی ندارد و ثانیاً هر انتقاد حتماً و الزماً باید به یک عامل تحول پذیر تبدیل شود. به عبارت دیگر انتقاد وسیله است نه هدف. و هرگاه و در هر صورت انتقاد اگر به هدف تبدیل شود، از مضمون و محتوای واقعی تهی می گردد و جز همان شعار پوچ "انتقاد برای انتقاد" چیزی از آن باقی نمی ماند.

در این بحث همچنین نشان دادیم در غلطیدن به لیبرالیسم چگونه صورت می گیرد! شما

**خلق قهرمان ، کارگران و زحمتکشان و رفقای مبارز با  
مشارکت و ارسال گزارشات ، نظریات و انتقادات خود  
ما را در غنی تر ساختن هر چه بیشتر نشریه یاری  
نمائید**

**برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با یکی  
از آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

**روابط عمومی**

**[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)**

**کمیته کردستان**

**[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)**

**کمیته تهران**

**[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)**

**کمیته کرج**

**[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)**

**کمیته آذربایجان**

**[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)**

**کمیته امور پناهندگی**

**[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)**

**ریگای گه ل در فیس بوک**

**[www.facebook.com /regaygal](http://www.facebook.com/regaygal)**

**فدائیان کمونیست در فیس بوک**

**[www.facebook.com /فدائیان کمونیست](http://www.facebook.com/فدائیان کمونیست)**

**آخرین انتشارات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را  
از سیات های زیر دریافت کنید .**

**[www.kare-online.com](http://www.kare-online.com)**

**[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)**

**انتقاد و انتقاد از خود به شیوه**

در هر ادارک فقط کافی است مضمون و محتوای کمونیستی را از انتقاد از خود سلب کنید تا تمایلات بورژوائی جان بگیرد و لیبرالیسم زنده شود ، تا دو آتشه ترین شعار ها به یک امر پوچ و بی محتوا یا صجیح تر بگوئیم به یک شعار بورژوائی مبدل گردد . در هر تشکیلات کمونیستی نیز هرگاه انتقاد به هدف تبدیل شود و همچون یک وظیفه ی دائمی فقط برای خالی نبودن عریضه در دستور کار قرار گیرد ، مطمئن باشید علیرغم تمامی تلاشهای صادقانه برای تغییر وضعیت ، تمایل به حفظ موجود سرریعا قوت می گیرد . پاسیفیسم و انفعال حاکم می شود ، رکود و خمود جایگزین حرکت می گردد و از تشکیلات کمونیستی جز یک محفل بورژوائی و یا در بهترین حالت یک دارودسته خرده بورژوائی چیزی برجای نمی ماند !  
ادامه دارد...

**ایران به یک تحول اساسی در تمامی  
عرصه های زندگی اجتماعی . اقتصادی  
سیاسی و فرهنگی نیازمند است که  
تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر  
علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت  
محدود جامعه ممکن و قابل تحقق  
است . اولین گام در این راه . سرنگونی  
جمهوری اسلامی . انهدام ماشین  
دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و  
نظامی بورژوائی و برقراری نظامی  
فدراتیو و شورانیست که در آن  
اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای  
مختلف برای اولین بار به دخالت در  
زندگی خود می پردازند و برای ساختن  
آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار  
انسان بوسیله انسان . از تبعیض جنسی  
و نژادی از سرکوب . زندان و شکنجه .  
انهدام و از بیکاری . بی مسکنی . فقر .  
انهدام محیط زیست و ... خبری نباشد .  
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
واژگونی جمهوری اسلامی را بمشابه  
برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه  
داری حاکم بر ایران و سرسخت ترین  
دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی  
آن توسط یک جمهوری فدراتیو  
شورایی را وظیفه عاجل خود می داند .**

